

اگر نویسنده، به جای آن خنده شیطنت‌آمیز و نمایش حظ و لذت هرمز در زمان خوردن گوشت‌های سرقتی، او را تکیده در گوشه‌ای از خانه‌ای نشان می‌داد...

درباره فیلم کوتاه «گوشت تلخ»
فرید حاجی

خرده‌داستان‌های جیمز باندی



احسان طهماسبی
منتقد سینما

«گوشت تلخ»، یکی از نمونه‌های قابل توجه در فیلم‌های کوتاه امسال است که توانسته با بهره‌گیری از نمونه‌های کلاسیک فیلم‌های کوتاه، پایانی متفاوت را رقم بزند و با وجود اینکه داستان یک خطی فیلم، یادآور بسیاری از فیلم‌های کوتاه ساخته شده در این سال‌ها بوده است، توانسته با عبور از کلیشه‌های فیلم‌هایی با این مضمون، تصویری عریان‌تر و بی‌پروا تر از فقر به نمایش بگذارد. هرمز که آشپز سالخورده دانشگاه است، پس از پایان ساعات کاری، تکه‌های گوشت گوسفند را زیر شلوارش پنهان می‌کند و می‌دزد. پرداخت این خط داستانی برای نویسنده‌ای فاقد خلاقیت و کارگردانی که به جزئیات توجه چندانی ندارد، می‌توانست در بهترین حالت به روایتی ملال آور بدل شود که اثر کم‌جانش، تا لحظاتی پس از اتمام فیلم، از ذهن بیننده پاک شود و در نهایت، با افسوس و غمی لحظه‌ای، از ذهن و دل مخاطب محو شود. اما در گوشت تلخ، این اتفاق رخ نمی‌دهد و خروجی نهایی، فیلمی قابل توجه‌تر با تأثیری عمیق‌تر می‌شود؛ تأثیری که راز ماندگاری‌اش در پایان‌بندی درخشان فیلم و کارگردانی فکرسده آن است. انتخاب پایان‌بندی مناسب در این فیلم، بعد از انتخاب بازیگر نقش هرمز (محمدعلی کریمی‌منش)، شاید پرریسک‌ترین کار فرید حاجی بوده است. یک پایان خوب برای گوشت تلخ می‌توانست هر آنچه تا دقیقه‌های پایانی رشته شده

بود را پنبه کند. اگر نویسنده، به جای آن خنده شیطنت‌آمیز و نمایش حظ و لذت هرمز در زمان خوردن گوشت‌های سرقتی، او را تکیده در گوشه‌ای از خانه‌ای (که یخچال خالی‌اش را در پلانی دیده بودیم) نشان می‌داد، به نوعی تمام تفکری که از جنس جهان‌بینی

او انتظار می‌رفت تغییر کرده بود. سکوت و سردی و به اصطلاح پوک‌رفیس (pokerface) بودن هرمز، گواه از گرایش ذهنی به جهانی دارد که قبح گناه در آن فرو ریخته است و ابراز احساسات در چهره او (facial expression) به‌گونه‌ای است که شرم از رفتارش صرفاً به واسطه وجود دوربین در آشپزخانه در او حاصل شده است. بنابراین لذت فرار از مهله که آمیخته با کیفور شدن از سرقت است در سکانس آخر، با موسیقی جیمز باندی همراه می‌شود و پایانی تحسین‌برانگیز و در عین حال، ترسناک را برای فیلم رقم می‌زند؛ پایانی که می‌تواند شروع طرح نقشه سرقتی جدید شود و در عین حال، زنگ هشدار برای لزوم کالبدشکافی افکار طبقه تهیدست و فقیر در جامعه باشد که هرچند در این فیلم کوتاه، مجالی برای ریشه‌یابی فرهنگی و اجتماعی آنها به دست نمی‌آید اما به تلنگری برای پرداخت به این موضوع مهم، بدل می‌شود.

«کمدی فانتزی برای تعدیل کلیشه‌ها»



سحر عصر آزاد
منتقد سینما

«رمانتیسیم عماد و طوبی» دومین فیلم سینمایی کاوه صباغ‌زاده پس از «ایتالیا ایتالیا»؛ ادامه دهنده دغدغه او در باب آسیب‌شناسی رابطه زوج‌ها و زندگی مشترک است. فیلمساز همچون فیلم اول خود که اقتباس از قصه «یک موضوع موقت» گومپا لاهیری بود، این فیلم را نیز با برداشت آزاد از کتاب «سیر عشق» آلن دوباتن ساخته است؛ قصه‌ای که به زندگی یک زوج از کودکی تا آشنایی، عاشقی و کهنسالی در کنار هم می‌پردازد. اینکه صباغ‌زاده تلاش می‌کند با تمهیدات روایی به سویه‌هایی جدید از یک دغدغه مجوری بپردازد، می‌تواند نقطه قوت و امتیازی در تدوین و قوام نگاه او تلقی شود که هر بار رنگ آمیزی خاصی پیدا می‌کند.

«رمانتیسیم عماد و طوبی» با تعلق خاطر فیلمساز به گونه کمدی فانتزی، زندگی این زوج هنرمند را از بدو تولد تا وصل و مخاطراتی که برای ماندن یا ترک زندگی مشترک دارند؛ یا زیرمن عشق به مثابه یک مهارت زندگی پی می‌گیرد. زیرمتنی که می‌تواند شعاری و واجد پیام مستقیم باشد اما قالب کمدی فانتزی کمک کرده تا این وجه تعدیل شده و اغراق موجود بر بستر مؤلفه‌های ژانر از دافعه برانگیزی فاصله گرفته و نسبت خود را با رئالیسم حفظ کنند. فیلمساز با تتمد فانتزی را وارد زاویه نگاهش به آدم‌ها، وقایع و رویدادهای قصه و حتی جزئیاتی همچون شمایلی ظاهری مکان‌ها، آدم‌ها، رنگ و لعاب‌ها و حتی کنش و واکنش‌های دراماتیک کرده تا جهان



درمی‌آورند و به پرواز درمی‌آیند. هرچند این اجرا ضعیف از کار در آمده امانش مؤثری در شکل دادن به ساختار و فرم فیلم دارد و می‌توانست در ادامه نقش و کارکرد بیشتری برای متمایز شدن جهان فیلم پیدا کند که این اتفاق نمی‌افتد. «رمانتیسیم عماد و طوبی» واجد زاویه نگاه خوشبینانه‌ای برای ارائه راهکار دوام روابط و زندگی مشترک زوج‌ها است و قالب کمدی فانتزی به تعدیل این اغراق در خوشبینی و حرکت بر مسیر قصه‌ای کلیشه‌ای و قابل پیش‌بینی کمک کرده است.

«رمانتیسیم عماد و طوبی»
برعکس «ایتالیا ایتالیا»، درباره
بخش‌های مثبت و خوب زندگی
است. در واقع فیلم درباره
جنگیدن برای بهتر زندگی کردن
است.



همیشه و در همه فیلم‌های کوتاه و بلندی که تاکنون ساخته‌ام، اقتباس ادبی را در دستور کار خود قرار دادم. اصولاً به سینمای اقتباسی خیلی علاقه‌مندم و معتقدم الزامی برای اینکه همه اورجینال فکر کنند و اورجینال بسازند و بنویسند وجود ندارد. همه جای دنیا سینمای اقتباسی رونق دارد و ارتباط دو طرفه خوبی بین نویسنده‌ها، فیلمسازها و کمپانی‌های فیلمسازی وجود دارد. متأسفانه این اتفاق در اینجا رخ نداده یا خیلی کم پیش می‌آید. در حالی که یک کتاب مخاطب خودش را داشته و کار خود را انجام داده است. حال شما در امتداد کاری که آن کتاب در دنیای ادبیات داشته و نیمی از راه را رفته است، اثر را تبدیل به فرمت سینما می‌کنید. در واقع به این صورت شما می‌توانید هم از آن متن و هم از ذهنیت خودتان (ترکیب این دو) برای نگارش فیلمنامه استفاده کنید. البته اقتباس سینمایی به همان میزان سختی دارد که نوشتن یک فیلمنامه اورجینال سخت است. چون فیلمنامه اقتباسی هم کپی از کتاب نیست. یعنی شما ایده اولیه را بر می‌دارید و بخش زیادی را حذف و بخش زیادی را اضافه می‌کنید.

■ علی انصاریان یکی از بازیگران اصلی فیلم «رمانتیسیم عماد و طوبی» است و آخرین پست صفحه شخصی او نیز مربوط به این فیلم است. اما اکنون او درگیر کرونا شده و در بیمارستان بستری است. درباره همکاری با او بر ایمان بگویید.

تجربه کار با علی انصاریان برای من تجربه جذابی بود. برعکس تصویری که نسبت به توانایی‌ها و کار ایشان داشتم، همراه‌ترین بازیگری بود که در این فیلم داشتم. در این فیلم نقش متفاوتی دارد. در زمان پیشنهاد کار با جان و دل پذیرفت و از لحظه امضای قرارداد تا قبل از بیماری کرونا، همه جوهره پای این فیلم ایستاد و هرکاری از دستش برآمد برای آن انجام داد. رابطه ما بیش از اینکه رابطه کارگردان بازیگری باشد رابطه‌ای برادرانه بود. از کار کردن با او لذت بردم و می‌دانم که حتی شاید بیشتر از خود من دلش می‌خواهد که فیلم را هرچه سریع‌تر روی پرده در کنار عوامل و مردم ببیند. متأسفانه بیماری ایشان باعث شد که در ایام جشنواره این اتفاق نیفتد. امیدوارم هرچه سریع‌تر حالش خوب شود و بتواند با کمی تأخیر فیلم را با مردم ببیند. حاضرم خودم برایش یک سالن سینما هماهنگ کنم که تک و تنها بنشینند و فیلم را یک بار به خواسته خودش روی پرده ببیند. چون به لحاظ حرفه‌ای و اخلاقی شبیه به علی انصاریان در بین بازیگران سینمای ایران کم داریم.